

پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با شیوه‌های فرزند پروری و الگوی ارتباطی خانواده در دانش‌آموزان پایه سوم دوره اول متوسطه شهرستان دورود

عباس رضائی پور^۱، خلیل غفاری^۲

^۱ کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی خمین، خمین، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دکتری علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی خمین، خمین، اراک، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با شیوه‌های فرزند پروری و الگوی ارتباطی خانواده در دانش‌آموزان پایه سوم دوره اول متوسطه شهرستان دورود بود. تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری تحقیق شامل دانش‌آموزان پایه سوم دوره اول متوسطه شهرستان دورود به تعداد ۲۵۷۰ نفر که بر اساس جدول نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. پرسشنامه اعتیاد به اینترنت کیمبرلی یانگ (۱۹۸۸)، پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده (۲۰۰۰) و پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند (۱۹۷۳) به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته. داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین شیوه‌های فرزند پروری و الگوهای ارتباطی خانواده با اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی رابطه منفی و معناداری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد. همچنین بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و استبدادی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک فرزندپروری قاطع با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معناداری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که بین الگوهای ارتباطی گفت و شنود و همنوایی با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معناداری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز حاکی از نقش معنادار مولفه‌های سبک‌های فرزندپروری و الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی متغیر اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی در میان دانش‌آموزان بود.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد به اینترنت، شیوه‌های فرزند پروری، الگوهای ارتباطی، دانش‌آموزان متوسطه اول.

مقدمه

نظام آموزشی در هر کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بی‌شک آینده هر کشور در گرو میزان توانمندی نظام آموزشی آن کشور خواهد بود. بنابراین سیستم آموزش در هر کشور علاوه بر شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، به دنبال عوامل مخرب تحصیلی و رفع موانع موجود نیز هستند. شناسایی مشکلات روان‌شناختی یکی از عوامل مهم در بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان است. امروزه اینترنت جز یکپارچه‌ای از زندگی مدرن شده است و رشد قابل توجه آن غیرقابل انکار است. در حالی که بسیاری از دانش‌آموزان از اینترنت بدون اثرات منفی استفاده می‌کنند، در برخی از آنها این استفاده تبدیل به سوء استفاده شده و مشکلاتی را در زندگی و عملکرد تحصیلی‌شان به وجود می‌آورد (پارنیم و ساروجورما، ۲۰۱۷). از آنجا که اینترنت به لحاظ گستردگی موضوعات، تنوع مطالب، به روز بودن اطلاعات، گمنامی در آن و بهره‌برداری از جاذبه‌های سمعی و بصری، مخاطبان زیادی را به خود جلب می‌کند، یکی از پدیده‌های مطرح و در حقیقت پیامد استفاده نابجا، اعتیاد به اینترنت است (اوزگیر، ۲۰۲۰، کارگر شورگی، ۱۳۹۷). همزمان با دسترسی گسترده افراد به اینترنت، شاهد نوع جدیدی از اعتیاد، یعنی اعتیاد اینترنتی هستیم، که مسئله خاص عصر اطلاعات است (اوسینیکوا، چاپسکایا، بیتیوتسکایا و الکینا، ۲۰۱۶). همانند انواع دیگر اعتیاد، اعتیاد به اینترنت نیز علائمی همچون اضطراب، افسردگی، کج خلقی، بی‌قراری، افکار وسواسی یا خیال‌بافی راجع به اینترنت همراه است. اعتیاد به اینترنت یا استفاده بیش از حد، از دیگر آسیب‌های فردی و تا حدودی اجتماعی اینترنت است که گاهی از این بیماری تحت عنوان اعتیاد مجازی و مشهورتر از آن با عنوان «اعتیاد به اینترنت» نام برده می‌شود (وی‌پینگ، شین، وی، فانگ و هانگ، ۲۰۱۹، چن و فو، ۲۰۰۹).

اصطلاح شبکه‌های اجتماعی مجازی، در زیرمجموعه رسانه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. رسانه‌های اجتماعی مفاهیمی کلان هستند که به واسطه پیدایش شبکه‌های جدید ارتباطی همچون اینترنت و تلفن همراه پدید آمده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی به علت بی‌مکانی حاکم بر اینترنت بر اساس علایق افراد و گروه‌ها هستند درواقع شبکه‌های اجتماعی بر پایه مشارکت همگانی بنا شده‌اند. در شبکه‌های اجتماعی برخلاف دوره ایمیل‌ها با اطلاعاتی مواجه هستیم که قابل رد و بدل شدن در بین افراد گوناگون هستند. (آهنگری، طحان، حسین نژاد و خطیبی، ۱۳۹۶)

1- Purnima & Saroj Verma

2- Özgür

3- Ovsyanikova, Chapskaya, Bityutskaya & Laukhina

4- Yi-Ping, Shen, Wei, Feng, & Huang

5- Chen & Fu

خانواده به عنوان مهم ترین نهاد اجتماعی و آموزشی نقش مهمی در تعیین رفتارها، سبک زندگی و سلامت افراد ایفا می کند. بر همین اساس خانواده به عنوان عامل تعیین کننده در سلامت افراد، در بروز یا عدم بروز اختلالات روانی نقش چشمگیری دارد. (اندرسون،^۶ ۲۰۱۹، فروش زاده، شاهچراغی و متقی، ۱۳۹۸). الگوهای ارتباطی خانواده یکی از کارکردهایی است که قادر به تأثیرگذاری بر فرزندان می باشد. بر اساس نظریه شناختی-رفتاری می توان گفت وقتی تعامل و صحبتی بین اعضای خانواده وجود ندارد و بر همنوایی بالا و همسانی عقاید والدین و فرزندان تأکید می شود، نوجوان ممکن است به این نتیجه برسد که اینترنت را به عنوان، دوست صمیمی خود که به راحتی می توان با او ارتباط برقرار کرد، انتخاب کند؛ در چنین خانواده هایی فرد ممکن است فرض کند که چون عقایدش در خانواده مورد احترام قرار نمی گیرد، هیچکس خارج از شبکه های اینترنتی او را دوست ندارد و حمایت نمی کند و تنها در محیط اینترنت مورد احترام قرار می گیرد. در نتیجه این برداشت نادرست منجر به تمایل شدید نوجوان به سمت اینترنت می شود (عبدی، ۱۳۹۵)

در همین راستا، نتایج پژوهش های فروش زاده و همکاران، (۱۳۹۸)، محسن زاده (۱۳۹۸)، پارسا (۱۳۹۷)، شریفی (۱۳۹۵)، عبدی (۱۳۹۵)، مرادی و همکاران (۱۳۹۳)، شین و همکاران (۲۰۱۹) و یانگ و هانگ (۲۰۱۴) نشان داده است که میزان استفاده از اینترنت تحت تاثیر شیوه های فرزندپروری در خانواده است، مهمترین عامل اجتماعی شدن در انسان، تجارب دوران کودکی وی در محیط خانواده است، شیوهی ارتباط ما با فرزندانمان، تاثیر عمیقی بر چگونگی رشد آنان دارد. توانایی ما برای برقرار کردن رابطه ی موثر و ایجاد امنیت در فرزندانمان به شدت از طریق شیوه های فرزند پروری تثبیت می شود. (امیری، ۱۳۹۶).

بنابراین، پژوهش حاضر با توجه به خلا پژوهشی در زمینه اعتیاد به اینترنت و عوامل تاثیرگذار شیوه فرزند پروری و الگوهای ارتباطی خانواده در دانش آموزان پایه سوم دوره اول متوسطه بر آن از ضرورت های انجام پژوهش می باشد. همچنین با اجرای این مطالعه می توان اطلاعات دقیق تری از میزان و نحوه اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی را در بین دانش آموزان را به دست آورد. لذا با پی بردن به این نکته که روش های فرزند پروری و الگوهای ارتباطی خانواده که اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی را پیش بینی می کنند می تواند منجر به ایجاد و بهبود راهبردهایی برای جلوگیری و کاهش نابهنجاری های رفتاری در دانش آموزان همچون اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی شود. با توجه به اهمیت مطالب و تحقیقات فوق الذکر پژوهش حاضر تلاشی است در جهت پاسخ به این سوال که آیا متغیرهایی چون شیوه های فرزند پروری و الگوهای ارتباطی خانواده توان پیش بینی اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی در میان دانش آموزان را دارند؟

1- Andersson

روش پژوهش

هدف این پژوهش پیش‌بینی اعتیاد به فضای مجازی و اینترنت براساس شیوه‌های فرزند پروری و الگوهای ارتباطی خانواده بود. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی- از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پایه سوم دوره اول متوسطه شهرستان دورود که تعداد آن ها ۲۵۷۰ دانش آموز می باشد. نمونه مورد مطالعه بر اساس جدول نمونه گیری کرجسی و مورگان صورت گرفت. در این جدول به ازای هر تعداد از جامعه مورد نظر نمونه تخمینی نیز به صورت خودکار برآورد شده است. روش نمونه گیری به صورت تصادفی طبقه ای نسبی انتخاب شدند. حجم نمونه برای هر متغیر ۵۰ نفر و در مجموع ۱۵۰ نفر از بین دانش‌آموزان پایه سوم دوره اول متوسطه انتخاب شدند.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

۱- پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ

تست اعتیاد به اینترنت یکی از معتبرترین تست های مربوط به سنجش اعتیاد اینترنتی است که توسط دکتر کمبرلی یانگ ابداع شده است. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال بوده و هدف آن سنجش میزان اعتیاد به اینترنت در افراد مختلف می‌باشد. طیف پاسخدهی آن به صورت لیکرت بوده و دارای پنج درجه می باشد. بنابراین برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه حاصل جمع امتیازات داده شده توسط پاسخ‌دهنده به تک تک سوالات پرسشنامه را با هم جمع می‌کنیم، نمره بدست آمده نمره کلی پرسشنامه بوده و دامنه‌ای از ۲۰ تا ۱۰۰ را خواهد داشت. بدیهی است که هر چه این نمره بالاتر باشد، بیانگر اعتیاد بالاتر فرد به اینترنت خواهد بود و برعکس. این پرسشنامه استاندارد است و روایی و پایایی آن در مطالعات قبلی با آلفای کرونباخ (۰/۹۰) گزارش شده است. نسخه فارسی این مقیاس در ایران مورد استفاده قرار گرفته و قاسم‌زاده آن را با آلفای کرونباخ (۰/۸۸) تایید کرده‌اند (به نقل از بحری و همکاران، ۱۳۹۰).

۲- پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند

این پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه‌های فرزندپروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دایانا بامریند (۱۳۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد شماره ۲۸، ۱۴، ۱۳ و ۲۶ روی هیچ عاملی تأثیر نمی‌گذارد. در نتیجه پرسش‌های مذکور حذف شدند. پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین سه عامل را اندازه‌گیری می‌کند. سوالات شماره ۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸ به شیوه ی سهل گیرانه و سوالات شماره‌های ۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹ به شیوه‌ی استبدادی و سوالات ۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰ به شیوه‌ی قاطع و اطمینان بخش مربوط می‌باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً مخالفم ، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم، کاملاً موافقم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده است که با جمع نمره‌های سوال‌های مربوط به هر

شیوه و تقسیم آن بر تعداد آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می آید. بوری (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش بازآزمایی استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد (۰/۸۱) برای شیوه سهل گیرانه، (۰/۸۶) برای شیوه استبدادی، (۰/۷۸) برای شیوه اقتداری. او همچنین ثبات درونی را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ محاسبه نمود که (۰/۷۵) برای شیوه سهل گیری (۰/۸۵) برای شیوه استبدادی و (۰/۸۲) برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرافروز، ۱۳۷۸). در انستیتو روان پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان شناسی و روان پزشکی (۲ نفر دکترای روان شناسی، یک نفر روان پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کار شناس روان شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند. نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است.

پرسشنامه تجدید نظر الگوی ارتباطی خانواده

مکلنود و چفی (۱۹۷۲) بر اساس ابعاد جهت گیری مفهومی و جهت گیری اجتماعی، چهار نوع الگوی ارتباطات خانواده یا چهار نوع خانواده را معرفی کردند: خانواده توافق کننده، خانواده کثرت گرا، خانواده حفظ کننده، و خانواده به حال خود واگذارنده. ابعاد جهت گیری مفهومی و جهت گیری اجتماعی بعدها توسط دیوید ریچی مورد بررسی و نقادی قرار گرفت. وی دو بعد زیربنایی این الگوهای خانواده را مورد تجدیدنظر قرار داد. به عقیده وی از آنجا که جهت گیری مفهومی بر اهمیت عقاید تأکید دارد، باید جهت گیری گفت و شنود نامیده شود تا توجه به بحث و تبادل نظر باز و پذیرنده عقاید بین والدین و فرزندان را منعکس کرده باشد و از آنجا که جهت گیری اجتماعی بر پیروی تأکید دارد، باید جهت گیری همنوایی نامیده شود. علاوه بر نام گذاری مجدد این دو بعد زیربنایی، ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) در ابزار الگوهای ارتباطات خانواده نیز با افزودن چند گونه به منظور افزایش روایی و پایایی آن تجدیدنظر کردند. این ابزار بدین ترتیب، ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده خوانده شد (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴؛ ریچی و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰).

پرسشنامه تجدید نظر شده الگوی ارتباطی خانواده (RFCP)^۱ در سال ۱۹۹۴ مشتمل بر ۲۵ گویه توسط فیتزپاتریک و ریچی طراحی شد. این پرسشنامه دارای دو زیر مقیاس به نام های جهت گیری همنوایی و جهت گیری گفت و شنود می باشد. پرسشنامه حاضر نسخه ای است که توسط فرزندان پاسخ داده می شود. مقیاس جهت گیری گفت و شنود در مقایسه با جهت گیری همنوایی پایایی بیشتری را نشان داده است. در مورد زیر مقیاس جهت گیری گفت و شنود مقدار آلفای کرنباخ در پنج مطالعه ۰/۸۹ بوده است. مقدار آلفای کرنباخ در مطالعات صورت گرفته در دامنه (۰/۸۴) تا (۰/۹۲) قرار دارد (کورنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در

^۱- Revised Family Communication Patterns

مورد مقیاس جهت گیری همنوایی، ضریب آلفای کرنباخ در دامنه (۰/۸۴) تا (۰/۷۳) قرار دارد (کورنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در ایران کورش نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) روایی ملاکی زیرمقیاس جهت گیری گفت و شنود در این پژوهش با مقیاس توجه (۰/۷۴) و جهت گیری همنوایی با مقیاس حمایت بیش از حد یا کنترل (۰/۴۹) همبستگی معنادار داشت. همچنین در این پژوهش، ضریب آلفای کرنباخ برابر (۰/۸۷) برای جهت گیری گفت و شنود و برای مقیاس جهت گیری همنوایی برابر (۰/۸۱) به دست آمد (کوروش نیا، لطیفیان، ۱۳۸۶).

یافته های پژوهش

برای تحلیل داده های بدست آمده از روش های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. از روش های آمار توصیفی میانگین، انحراف معیار، آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، بیشترین و کمترین نمره ها و همچنین در سطح آمار استنباطی در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه ی گام به گام استفاده به عمل آمده است. جهت تحلیل استنباطی داده ها از آزمون کالموگروف - اسمیرنوف از نظر طبیعی بودن آزمون شدند تا مشخص شود که از کدام دسته از روش های آماری برای تحلیل آنها استفاده شود. نتایج این آزمون در جدول ۱ نشان داده شده است. با توجه به نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای مولفه های سبک فرزندپروری (۱/۰۴۸)، سبک سهل گیرانه (۰/۹۶۷)، سبک استبدادی (۰/۹۲۲)، سبک قاطع (۱/۰۲۳)، الگوی ارتباطی (۱/۴۸۶)، گفت و شنود (۱/۲۰۴)، همنوایی (۱/۰۶۴) و اعتیاد به اینترنت (۱/۲۲۸)، مقادیر بالا به دست آمده است، که نشان دهنده ی نرمال بودن داده ها است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره های کسب شده توسط شرکت کنندگان در پژوهش

شاخص های آماری متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	آماره کولموگروف - اسمیرنوف	سطح معناداری
سبک فرزندپروری	۸۸/۸۰	۶/۱۷	۷۸/۰۰	۱۰۱/۰۰	۱/۰۴۸	۰/۲۷۱
سبک سهل گیرانه	۳۰/۶۶	۳/۴۷	۱۴/۰۰	۲۴/۰۰	۰/۹۶۷	۰/۳۱۷
سبک استبدادی	۳۱/۷۹	۳/۰۵	۱۲/۰۰	۱۹/۰۰	۰/۹۲۲	۰/۳۵۱
سبک قاطع	۲۶/۳۴	۳/۴۶	۱۱/۰۰	۲۷/۰۰	۱/۰۲۳	۰/۰۸۴
الگوی ارتباطی	۶۴/۹۰	۱۱/۹۲	۴۶/۰۰	۸۵/۰۰	۱/۴۸۶	۰/۱۲۳
گفت و شنود	۳۴/۸۵	۸/۰۲	۲۴/۰۰	۵۱/۰۰	۱/۲۰۴	۰/۰۱۱
همنوایی	۳۰/۰۴	۵/۶۹	۲۰/۰۰	۴۱/۰۰	۱/۰۶۴	۰/۲۰۷
اعتیاد به اینترنت	۵۶/۹۶	۴/۶۰	۴۷/۰۰	۶۹/۰۰	۱/۲۲۸	۰/۰۹۸

جدول ۱ شاخص های توصیفی مربوط به نمرات کسب شده شرکت کنندگان در متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیشایند (سبک های فرزندپروری و الگوهای ارتباطی)، با اعتیاد به اینترنت در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای سبک های فرزندپروری و الگوهای ارتباطی با اعتیاد به اینترنت دانش آموزان

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- سبک فرزندپروری	۱							
۲- سبک سهل گیرانه	۰/۸۴۵**	۱						
۳- سبک استبدادی	۰/۲۳۷**	۰/۷۱۵**	۱					
۴- سبک قاطع	۰/۴۸۵**	۰/۱۴۵*	۰/۲۵۸**	۱				
۵- الگو ارتباطی	-۰/۷۸۴**	۰/۷۸۹**	۰/۲۱۹**	۰/۱۷۸**	۱			
۶- گفت و شنود	۰/۲۲۱**	۰/۴۵۶*	۰/۳۸۶**	۰/۷۴۹*	۰/۷۴۸**	۱		
۷- همنوایی	۰/۱۵۲*	۰/۱۱۱*	-۰/۲۶۸*	۰/۴۱۲**	۰/۱۴۹**	-۰/۰۳۴	۱	
۸- اعتیاد به اینترنت	-۰/۶۵۵**	۰/۷۰۸**	۰/۱۲۴	-۰/۵۱۳**	-۰/۴۰۳**	-۰/۲۶۶**	-۰/۴۷۰**	۱

۰/۰۱ < p < ** و ۰/۰۵ < p* (آزمون دو دامنه

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود بین متغیرهای پیشایند (سبک های فرزندپروری و الگوهای ارتباطی)، با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معنادار در سطح (۰/۰۱) وجود دارد. همچنین بین سبک های فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک فرزندپروری قاطع با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معناداری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که بین الگوهای ارتباطی گفت و شنود و همنوایی با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معناداری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد.

علاوه بر این، بخش دیگری از نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوهی همزمان یا استاندارد در جدول شماره ۳ حاکی از آن است که حدود ۸۲ درصد از واریانس متغیر اعتیاد به اینترنت به وسیله متغیرهای سبک های فرزندپروری و الگوهای ارتباطی خانواده قابل تبیین است.

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون استاندارد یا همزمان برای اعتیاد به اینترنت دانش آموزان

مدل	R	R ^۲	R ^۲ تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۹۱۰	۰/۸۲۸	۰/۸۲۷	۴/۹۶۳۹۸

به منظور پیش بینی اعتیاد به اینترنت همراه از روی متغیرهای سبک های فرزندپروری و الگوهای ارتباطی از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد، که نتایج آن در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول ۴ : خلاصه نتایج ضرایب استاندارد و غیر استاندارد با استفاده از رگرسیون گام به گام برای پیش بینی اعتیاد به اینترنت دانش آموزان

گام ها گام	الگوی گام به	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد بتا	T	سطح معنی داری
		B	خطای استاندارد			
۱	مقدار ثابت	۴۳/۴۳۷	۱/۸۵۸	-	۲۳/۳۸۰	۰/۰۰۰
	سبک سهل-گیرانه	۱/۴۸۰	۰/۰۶۰	۰/۸۹۶	۲۴/۵۹۷	۰/۰۰۰
۲	مقدار ثابت	۱۳/۴۵۲	۲/۳۹۳	-	۵/۶۵۸	۰/۰۰۰
	سبک سهل گیرانه	۱/۶۹۳	۰/۰۴۲	۱/۲۰۶	۴۰/۷۵۳	۰/۰۰۰
	گفت و شنود	۰/۷۳۴	۰/۰۵۱	۰/۳۶۳	۱۴/۴۳۳	۰/۰۰۱
۳	مقدار ثابت	۳/۳۴۱	۳/۹۲۸	-	۳/۶۵۱	۰/۰۰۰
	سبک سهل گیرانه	۰/۶۱۱	۰/۰۹۳	۰/۳۰۵	۶/۵۵۵	۰/۰۰۰
	گفت و شنود	۰/۵۱۸	۰/۰۹۱	۰/۲۷۸	۵/۶۹۳	۰/۰۰۱
	سبک قاطع	۰/۲۶۴	۰/۰۶۶	۰/۱۹۲	۲/۴۸۴	۰/۰۰۱
	همنوایی	۰/۲۱۵	۰/۰۳۱	۰/۱۵۵	۱/۹۴۳	۰/۰۰۱

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود در گام اول در رگرسیون گام به گام مولفه سبک سهل گیرانه ، در گام دوم مولفه گفت و شنود، در گام سوم مولفه سبک قاطع و همنوایی توانسته اند اعتیاد به اینترنت را به صورت معناداری در دانش آموزان پیش بینی کنند. بتا استاندارد برای سبک فرزندپروری سهل گیرانه (۰/۸۹۶)، برای گفت و شنود (۰/۳۶۳)، سبک قاطع (۰/۱۹۲) و همنوایی (۰/۱۵۵)، بوده است. بررسی ضرایب بتا نشان می دهد که افزوده شدن متغیرهای پیش بین به صورت پیوسته از مقدار ضرایب بتا کاسته است، که حاکی از توان بیشتر متغیرهای نخست در پیش بینی و تبیین اعتیاد به اینترنت در میان

دانشجویان و کاهش این توان با افزوده شدن سایر متغیرهاست. بنابراین، این عامل‌های پایانی سهم قابل ملاحظه و معنی‌داری در پیش‌بینی واریانس متغیر اعتیاد به تلفن همراه ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق بررسی رابطه اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با شیوه‌های فرزندپروری و الگوی ارتباطی خانواده در دانش‌آموزان پایه سوم دوره اول متوسطه شهرستان دورود بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با شیوه‌های فرزند پروری در دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه اول شهرستان دورود رابطه‌ی منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با الگوی ارتباطی در دانش‌آموزان پایه سوم شهرستان دورود رابطه‌ی منفی، معکوس معنی‌داری وجود دارد.

نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش‌های کارگر شورکی (۱۳۹۷)؛ امیری (۱۳۹۶)؛ نجفی (۱۳۹۵)؛ ترابی‌ان (۱۳۹۵)، ازگی‌پور (۲۰۱۶)؛ چو هیو و همکاران (۲۰۱۵)؛ فلوریس و سایاموس (۲۰۱۳)؛ اسماعیل و همکاران، (۲۰۱۲)؛ آبشا (۲۰۱۲)؛ والکه، بونت، ویور و روتز، (۲۰۱۰)؛ فروش زاده و همکاران (۱۳۹۸)؛ محسن زاده (۱۳۹۸)؛ موسوی (۱۳۹۷)؛ شریفی (۱۳۹۵)؛ عبدی (۱۳۹۵)؛ شین و همکاران (۲۰۱۸)؛ همخوان و همسو می‌باشد.

در تبیین این نتایج می‌توان اذعان داشت که عوامل زمینه‌ساز اعتیاد به اینترنت را می‌توان در سطح فرد، خانواده و جامعه مطرح کرد. همچنین این پدیده در بین گروه‌های مختلف سنی وجود دارد، نوجوانان در این بین آسیب‌های بیشتر را در مقایسه با سایر گروه‌های سنی متحمل می‌شوند، چرا که با مشکلاتی در حوزه تحصیل و ورود به بازار کار و اشتغال را برای این افراد به وجود می‌آورد. در حوزه خانواده، سبک‌های تربیتی والدین از عواملی است که در اعتیاد به اینترنت می‌تواند به ایفای نقش بپردازد. بر اساس الگوی بامریند دو محور اساسی در رفتار و تعامل‌های والدین در ارتباط با فرزندان وجود دارد: محبت و کنترل، از ترکیب این دو بعد چهار سبک مختلف فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیر و کناره‌گیر ایجاد می‌شود که سه سبک اخیر شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد محسوب می‌شوند. والدین دارای شیوه مستبدانه پرتوقع بوده، پذیرای نیازهای فرزندان خود نبوده، دارای پیام‌های کلامی، و فاقد محتوای عاطفی، کمتر حمایت‌پذیر، کمتر از تقویت‌کننده‌ها استفاده کرده و دارای روش تنبیه و زور برای کنترل فرزندان هستند. والدین دارای شیوه سهل‌گیرانه، کنترل اندکی داشته دارای نگرش متضاد در ارتباط با انضباط فرزندان تسلیم در مقابل خواسته‌های فرزندان و دارای استقلال رأی کمتری هستند. فرزندان پرورش‌یافته این شیوه به هنگام مواجهه با مشکلات تمایل به واپس روی دارند و پرخاشگر هستند. والدین دارای شیوه مقتدرانه دارای استدلال منطقی هستند، تاب مقاومت در برابر خواسته‌های نامعقول و عصبانیت فرزندان دارند. در ابراز محبت و استفاده به موقع از تقویت‌کننده‌ها مهارت دارند و از علایق و ویژگی‌های فرزندان خود اطلاع دقیقی دارند؛ اعتیاد به اینترنت صرفاً مشکل یک فرد

نیست بلکه مشکلی است که خانواده مسئول آن است و این مشکل به واسطه پیامدهای بد کارکردی خانواده می تواند ایجاد شود. الگوهای ارتباطی خانواده یکی از کارکردهایی است که قادر به تأثیرگذاری بر فرزندان می باشد. وقتی تعامل و صحبتی بین اعضای خانواده وجود ندارد و بر همنوایی بالا و همسانی عقاید والدین و فرزندان تأکید می شود، نوجوان ممکن است به این نتیجه برسد که اینترنت را به عنوان، دوست صمیمی خود که به راحتی می توان با او ارتباط برقرار کرد، انتخاب کند. در چنین خانواده هایی فرد ممکن است فرض کند که چون عقایدش در خانواده مورد احترام قرار نمی گیرد، هیچکس خارج از شبکه های اینترنتی او را دوست ندارد و حمایت نمی کند و تنها در محیط اینترنت مورد احترام قرار می گیرد. در نتیجه این برداشت نادرست منجر به تمایل شدید نوجوان به سمت اینترنت می شود. در بین سبک های تربیتی مقتدر و سلطه گر با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی معنادار و بین سبک تربیتی بی توجه، با اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت معناداری وجود دارد. بین سبک های فرزندپروری، سبک بی توجه بیشترین تأثیر را در گرایش اعتیاد به اینترنت دارد. هم چنین برخی نتایج پژوهش های پیشین نشان داد که سبک های تربیتی بی توجه به والدین، رابطه معنی داری با میزان استفاده دانش آموزان از اینترنت دارد. افراد دارای سبک دل بستگی نایمن به خاطر احساس نایمنی، اضطراب و عدم اعتمادی که نسبت به خود یا دیگران دارند، هنگامی که در ایجاد و برقراری ارتباط با دیگران شکست می خورند، بیشتر انزوا و تنهایی را ترجیح می دهند و این امر باعث می شود که به اینترنت گرایش بیشتری داشته باشند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با شیوه های فرزندپروری سهل گیرانه، استبدادی خانواده و شیوه ی قاطع و بااطمینان خانواده در دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش های کارگر شورکی (۱۳۹۷)؛ امیری (۱۳۹۶)؛ نجفی (۱۳۹۵)؛ ترابیان (۱۳۹۵)؛ ازیگیور (۲۰۲۰؛ ۲۰۱۶)؛ چو هیو و همکاران (۲۰۱۵)؛ فلوریس و سایاموس (۲۰۱۳)؛ اسماهل (۲۰۱۲)؛ آبشا (۲۰۱۲)؛ والکه و همکاران (۲۰۱۰)؛ همسو می باشد.

در تبیین نتایج بدست آمده در مورد رابطه بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با شیوه های فرزندپروری سهل گیرانه، می توان بیان داشت که افراد دارای اعتیاد به اینترنت از رفتار خود آگاه نیستند و از آگاه شدن نسبت به محیط و در هنگام استفاده از اینترنت مقاومت نشان داده و بی اراده سعی در پنهان کردن شناخت خود از محیط اطراف خود دارند. تمام شرایط زندگی افراد دارای اعتیاد به اینترنت مورد بررسی قرار گرفته و نتایج نشان داده است که عواقب منفی اعتیاد به اینترنت ایجاد تزلزل در چارچوب خانواده، وضعیت مالی و شغلی فرد، تزلزل در وضعیت اجتماعی فرد و مشکلات روانی می باشد. روشن است که اینترنت موجب تحریک نوسانات خلقی فرد، احساس عمیق و اغوا کننده، بروز مشکلات روزمره زندگی، به عنوان مثال، پنهان کردن شخصیت خود در پشت صحنه نمایش فضای مجازی و ناهماهنگی شناختی در فرد، و برای فرار از استرس های عادی

زندگی به فضای مجازی پناه برده تا از واقعیت زندگی فرار کنند، این رفتارها همانند فرد وابسته به مواد مخدر می باشد که برای رسیدن به نشئگی رفتارهای مواد جویانه را در بر می گیرد.

در تبیین یافته مربوط رابطه بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با شیوه های فرزندپروری استبدادی، می توان بیان کرد که اینترنت زمانی با شناخت و آگاهی مورد استفاده قرار می گیرد و به عنوان یک تکنولوژی قابل در دسترس برای به دست آوردن دانش، برای حل مشکلات، و به دست آوردن مهارت های بسیاری برای یادگیری و موفقیت در زندگی، مثر ثمر بود و در موفقیت فردی و سازمانی مفید واقع شده، اما زمانی که از اینترنت به صورت ناخودآگاه و بدون شناخت و کنترل استفاده شود و منجر به ترس و اضطراب در افراد در توسعه شخصی شود، اما مضر می باشد که فرد را به سمت اعتیاد به اینترنت می کشاند. لذا امروزه به این نتیجه رسیده اند که محدود کردن زمان استفاده از اینترنت و فضای مجازی در میان کودکان و نوجوانان مسئله مهمی می باشد که باید توجه خاصی به آن شود. در خیلی از تحقیقات نتایج گویای آن است که سبک فرزند پروری مستبدانه زمینه ساز اعتیاد به اینترنت است. شیوه فرزند پروری مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از کنترل اجتماعی بالا، و از نظر استقلال دادن پایین است. والدین مستبد سرد و طرد کننده هستند. آنها برای اعمال کنترل فریاد م کشند، دستور می دهند، عیبجویی و تهدید می کنند. والدین مستبد علاوه بر کنترل مستقیم ناموجه، به نوع ظریف تری به نام کنترل روان شناختی نیز می پردازند که به موجب آن در ابراز کلامی، فردیت، و دل بستگی کودکان دخالت کرده و در آنها دخل و تصرف می کنند. این والدین، که دوست دارند تقریباً در مورد هر چیزی برای کودک تصمیم گیری کنند، غالباً در عقاید، تصمیم گیری ها، و انتخاب دوستان مداخله می کنند. هنگامی که آن ها ناخشنود هستند، محبت خود را دریغ کرده و آن را به اطاعت کودک وابسته و مشروط می کنند، که این امر منجر به گرایش افراد و پناه بردن به شبکه های اینترنتی و به تبع آن اعتیاد به فضای مجازی و اینترنت می شود.

در تبیین یافته مبنی بر رابطه بین اعتیاد به فضای مجازی و اینترنت با شیوه های قاطع و با اطمینان فرزندپروری میتوان بیان داشت که اینکه نظام آموزشی در هر کشور از جایگاه ویژه ای برخوردار است و بی شک آینده هر کشور در گرو میزان توانمندی نظام آموزشی آن کشور خواهد بود. بنابراین سیستم آموزش در هر کشور علاوه بر شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان، به دنبال عوامل مخرب تحصیلی و رفع موانع موجود نیز هستند. بنابراین شناسایی مشکلات روان شناختی یکی از عوامل مهم در بهبود وضعیت تحصیلی دانش آموزان است. امروزه اینترنت جز یکپارچه ای از زندگی مدرن شده است و رشد قابل توجه آن غیرقابل انکار است. در حالیکه بسیاری از دانش آموزان از اینترنت بدون اثرات منفی استفاده می کنند، در برخی از آنها این استفاده تبدیل به سوء استفاده شده و مشکلاتی را در زندگی و عملکرد تحصیلی شان به وجود می آورد. از آنجا که اینترنت به لحاظ گستردگی موضوعات، تنوع مطالب، به روز بودن اطلاعات، گمنامی در آن و بهره برداری از جاذبه های سمعی و

بصری، مخاطبان زیادی را به خود جلب می کند، یکی از پدیده های مطرح و در حقیقت پیامد استفاده نابجا، اعتیاد به اینترنت است.

همچنین، نتایج نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با الگوی ارتباطی گفت و شنود و همنوایی خانواده در دانش آموزان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با الگوی ارتباطی گفت و شنود خانواده در دانش آموزان رابطه ی غیر مستقیم، منفی و معنی داری وجود دارد. نتایج بدست آمده با نتایج پژوهش های فروش زاده (۱۳۹۸)؛ محسن زاده (۱۳۹۸)؛ موسوی (۱۳۹۷)؛ شریفی (۱۳۹۵)؛ عبدی (۱۳۹۵)؛ شین و همکاران (۲۰۱۸)؛ همخوان و همسو می باشد.

در تبیین نتیجه بدست آمده می توان اظهار داشت که پدر و مادر اولین کسانی هستند که زیربنای شخصیت یک نوجوان را می سازند و پایه گذار ارزش ها و معیار های فکری وی هستند. هیچ بستری از نظر قدرت و گسترش تاثیر، با خانواده برابری نمی کند. خانواده پیوندهایی را بین افراد برقرار می کند که منحصر به فرد هستند، دلبستگی به والدین و خواهر – برادرها معمولاً یک عمر دوام می آورد و نقش الگوهایی را برای روابط در دنیای گسترده تر بر عهده دارد. کودکان درون خانواده زبان، مهارت ها، ارزش های اجتماعی – اخلاقی فرهنگ خود را یاد می گیرند و افراد در تمام سنین برای دریافت اطلاعات، کمک و تعامل لذت بخش، به اعضای خانواده ها روی می آورند. ارتباط های صمیمانه و خشنود کننده خانوادگی، سلامت روانی و جسمانی را در سرتاسر دوره رشد پیش بینی می کند. الگوی ارتباطی خانواده یا طرحواره های ارتباطی خانواده، ساختار علمی از دنیای ظاهری خانواده است که بر اساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیز به یکدیگر می گویند و چه کار باید انجام دهند و اینکه چه معنایی از این ارتباطات دارند تعریف می شود، تحلیل ارتباطات خانواده نشان می دهد که خانواده ها انواعی از الگوهای ارتباطی متفاوت را گسترش داده و تقویت می کنند. شیوه هایی که والدین با فرزندانشان ارتباط برقرار می کنند در غالب الگوی ارتباطی خانواده نشان داده می شود و در این الگوی ارتباطی دو بعد از هم قابل تشخیص است.

بعد جهت گیری گفت و شنود به درجه و مصداقی که خانواده فضای آزاد و راحتی را برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می کنند گفته می شود؛ خانواده هایی که در این بعد پایین هستند تعامل کمی با یکدیگر دارند و تنها در موضوعات محدودی به صورت باز با هم می اعضای خانواده بحث می کنند و همه اعضا در تصمیم گیری های خانواده نقش ایفا نمی کنند. در این خانواده ها اعضای خانواده تبادل کمی از پیرامون افکار، احساسات و فعالیت های خود شخص با دیگر اعضا دارند، در مورد فعالیت های مربوط به خانواده با جزئیات بحث نمی شود. خانواده هایی که در این بعد بالا هستند، اعضای خانواده به طرز آزاد و مکرر و مختار با دیگران بدون هیچ محدودیتی ارتباط دارند و زمان زیادی را در جهت ارتباط متقابل و بحث درباره موضوعات مختلف صرف می کنند. همه ی اعضای خانواده در فعالیت های انفرادی یکدیگر شرکت می کنند، تصمیمات خانواده با یکدیگر

گرفته می‌شود و برای عقاید و نظرات یکدیگر ارزش و احترام قائل‌اند. بدون تردید چنین الگویی زمینه ساز اعتیاد به فضای مجازی است و اعضا برای فرار از گفتگوهای بی نتیجه به ارتباطی خارج از گو خانوادگی روی می‌آورند، که آنها را بعداً از مسیر رشد و کمال واقعی باز می‌دارد.

نتایج تحقیق در مورد بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با الگوی ارتباطی همنوایی خانواده در دانش‌آموزان، نشان می‌دهد که بین اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی با الگوی ارتباطی همنوایی خانواده در دانش‌آموزان رابطه‌ی غیر مستقیم، منفی و معنی‌داری وجود دارد.

در تبیین نتیجه حاصله از بررسی این فرضیه می‌توان متوجه ساخت که اعتیاد به اینترنت تیک رفتار قانونی و اجتماعی پذیرفته شده است اما رفتار آسیب‌شناسی سخت می‌باشد و این رفتار به منظور کسب لذت و شادی است و به صورت یک رفتار وسواس - اجباری عمل می‌کند و با سیستم بیوشیمیایی اعصاب دخل و تاثیر منفی بر زندگی دارد و افراد وابسته به اینترنت توانایی تغییر درک شخصی از فضا و زمان مورد استفاده ندارند و سطح ادراکی این افراد پایین می‌باشد و زمینه‌ساز است و نابهنجاری‌ها را در این افراد بالا می‌برد. اعتیاد به اینترنت با الگوهای ارتباطی خانواده در تماس نزدیک است در الگوی ارتباطی همنوایی بر هماهنگی، اجتناب، تعارض و وابستگی اعضا به یکدیگر تاکید می‌کنند. اصولاً ارتباط در این خانواده‌ها منعکس کننده از اطاعت از والدین و بزرگسالان است. خانواده‌های با همنوایی پایین به ساختار سنی اعتقاد ندارند و کمتر به آداب و تشریفات و سلسله مراتب اهمیت می‌دهند و معتقد به استقلال و فردیت اعضا هستند. این خانواده‌ها برای تصمیم‌گیری حداقل به این نیاز دارند که تمام اعضای خانواده عقاید خود را درباره موضوع بیان کنند، یعنی حداقل مقداری تبادل افکار بین اعضای خانواده صورت می‌گیرد. خانواده‌های با همنوایی بالا، به ساختار خانواده سنتی و سلسله مراتبی و به هم پیوسته معتقد هستند، بنابراین اعضای خانواده برای ارتباطات خانوادگی بیشتر از خارج آن اهمیت قائل می‌شوند. همچنین در این خانواده‌ها اعتقاد بر این است که برنامه شخصی باید هماهنگ با دیگر اعضای خانواده باشد، والدین برای دیگر اعضا تصمیم‌گیری می‌کنند و در مورد تصمیم گرفته شده به دیگر اعضای خانواده اطلاع می‌دهند و از فرزندان انتظار اطاعت از آن را دارند. بنابراین برای اینکه والدین با جهت‌گیری همنوایی زیاد تصمیم‌گیری کنند به هیچ تعاملی بین اعضای خانواده نیاز ندارند؛ به غیر از اینکه سرپرست در مورد تصمیم گرفته شده به خانواده اطلاع دهد و همچنین سرپرست خانواده می‌تواند به طور یک جانبه تصمیم‌گیری کند. همواره ارتباطات موجود در بین اعضای خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های روابط بین فردی و کلیدی برای فهم مکانیسم‌های تحت تاثیر روابط خانوادگی قلمداد می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهند که خانواده‌هایی که همبستگی و ارتباط کمتری با هم دارند، اختلاف و ناسازگاری در آنها بیشتر است کمتر می‌توانند به طور مؤثر با همدیگر همبستگی داشته باشند و فرزندان آنها از نظر بهداشت روانی از کودکان دیگر خانواده‌ها پایین‌ترند. نحوه برخورد اولیه والدین خصوصاً گفت و شنود با

نوجوان شرط اصلی ارتباط و تداوم آن است. بنابراین در خانواده‌هایی که والدین عرصه را بر فرزندان خود تنگ می‌کنند، بر رفتارهای آنها خرده می‌گیرند و همواره سعی در القاء نقطه نظرات خود بدون توجیه عقلی دارند، باید منتظر عواقب ناخوشایندی در طرز فکر آنها باشند. بالعکس والدین خانواده‌های مقتدر، با ارتباط گرم و صمیمی و توقعات هوشی و اجتماعی مناسب سن فرزندان، زمینه‌ساز عملکرد تحصیلی مطلوب، عدم رفتارهای بزهکارانه و اعتیاد آور می‌شوند. بنابراین شیوه‌ها یا نوع ارتباط درون خانواده، بر اساس میزان آزادی در گفت و شنود و اطاعت از قوانین خانواده‌ها تعیین می‌شود؛ همین دو میزان است که تعیین کننده بهداشت روانی و سلامت روحی اعضای خانواده، علی‌الخصوص فرزندان می‌باشند و به نوعی بر روی نگرش آنان در مورد والدینشان اثر می‌گذارد؛ و حتی می‌تواند بسیاری از روابط حال و آینده فرزندان را رقم بزند.

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند اطلاعات مهمی برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در پی داشته باشد. با توجه به نقش تاثیرگذار کیفیت شیوه‌های فرزندپروری و رابطه والد-فرزندی بر ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان، کوشش در زمینه آگاه‌سازی هر چه بیشتر والدین در خصوص تاثیرات رابطه والد-فرزندی بر ویژگی‌های روانی و رفتاری نوجوانان امری ضروری است. از آنجایی که پژوهش حاضر، در جمعیت دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام شد و ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌های خودسنجی بود؛ لذا، باید در تعمیم نتایج حاصل به جمعیت‌های دانشجویی و سایر مقاطع تحصیلی احتیاط بیشتری نمود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی از سایر روش‌های گردآوری اطلاعات مانند مصاحبه استفاده شود و در جوامع گسترده‌تری مانند دانش‌آموزان ابتدایی، راهنمایی و یا حتی دانشجویان می‌تواند، انجام شود. به والدین و مسئولین مدارس پیشنهاد می‌شود:

به منظور پیشگیری یا مهار اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی در دانش‌آموزان، با رویکرد متعادل (نه سخت‌گیرانه و نه محدود کننده و نه بی‌قید و رها کننده) فرزندان خود را به شیوه‌های خودگردان و خودپیرو تربیت کنند، تا در راه مصونیت‌بخشی به کودکان و نوجوانان در مواجهه فن‌آوری‌های جدید و سازگاری‌ها نقش مهمی داشته باشند. علاوه براین، پیشنهاد می‌شود معلمان و والدین با فراهم کردن جو روانی - اجتماعی مناسب، نقش مهمی در افزایش سازگاری و کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و نوجوانان داشته باشند. همچنین لازم است در رابطه با نقش و اهمیت الگوهای ارتباط خانواده، مدارس جلسات مشاوره‌ای با حضور روانشناسان و والدین دانش‌آموزان برگزار کنند تا ضمن شناسایی نوع الگوی ارتباطی آنها، راهنمایی‌های لازم را در مورد نحوه دخالت و کنترل‌شان بر نوع، زمان و چگونگی استفاده از اینترنت به والدین را ارائه نمایند.

منابع

- آهنگری، طحان، حسین نژاد و خطیبی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه و میزان پایبندی به اعتقادات دینی کارکنان نیروی انتظامی ۱۲ تا ۱۸ سالشهر کاشمر، مجله مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان؛ شماره ۴۷ علمی - ترویجی، وزارت علوم ۲۰؛ ISC؛ صفحه ۳۷-۶۵.
- امیری، علی عباس (۱۳۹۶). پیش بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس شیوه های فرزند پروری والدین و سبک رهبری معلم در دانش آموزان پایه سوم مقطع متوسطه در سال تحصیلی ۹۶-۹۵. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور. واحد کرمانشاه.
- پارسا، فاطمه (۱۳۹۷). رابطه الگو های تربیتی خانواده و امنیت روانی با گرایش به اعتیاد به اینترنت در دختران. موسسه آموزش عالی کویان.
- ترابیان، محبوبه (۱۳۹۵). تعیین رابطه بین وابستگی به شبکه های اجتماعی مجازی با سبک زندگی و فرزند پروری ادراک شده در خانواده های شهرستان میامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد پردیس شاهرود.
- شریفی، رشید (۱۳۹۵). پیش بینی الگوهای ارتباطی خانواده و اعتیاد به فضای مجازی اینترنت با اهمالکاری تحصیلی در بین دانشجویان دانشگاه رازی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی.
- عبدی، هادی (۱۳۹۵). رابطه الگو های ارتباطی خانواده با اعتیاد به اینترنت و عملکرد تحصیلی: نقش واسطه ای درگیری تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- کارگر شورگی، بهروز (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری والدین با پرخاشگری و اعتیاد به اینترنت در بین دانش آموزان متوسطه شهرستان میبد. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد اردکان.
- فروش زاده، شاهچراغی و متقی. (۱۳۹۸). بررسی نقش واسطه ای ناگویی هیجانی در رابطه بین الگوی ارتباطی خانواده و ویژگی های شخصیتی با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان. مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش: سال دوم؛ شماره ۱۹.
- محسن زاده، نادر (۱۳۹۸). بررسی روابط ساختاری ابعاد ارتباطی خانواده و اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی با واسطه گری انعطاف پذیری شناختی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور مرکز تبریز.
- موسوی، سید بهرام (۱۳۹۷). پیش بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس الگو های ارتباطی خانواده و شادکامی در نوجوانان شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد مرودشت.
- نجفی، شمیم (۱۳۹۵). پیش بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس شیوه های فرزند پروری و تعارضات والد-نوجوان دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر گرگان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

Abesha, A. G. (2012). Effects of parenting styles, academic self-efficacy, and achievement motivation on the academic achievement of university students Ethiopia. A dissertation submitted in fulfillment of the requirements for the award of Doctor of Philosophy. School of psychology and social science, faculty of computing. Health and science, Edith Cowan University.

- Andersson, G. (2015). Individually tailored internet-based cognitive behavior therapy for, adolescents with anxiety disorders: *A pilot effectiveness study*. Internet Interventions Behavior, Volume 60, PP: 411-424.
- Chen, S. Y. & Fu, Y. C. (2009). Internet use and academic achievement: Gender differences in early adolescence. Adolescence, 44(176), 797-812.
- Children and adolescents. *Original Research Article. Computers in Human*
- Floros, G., Siomos, K. (2013). The relationship between optimal parenting, Internet addiction and motives for social networking in adolescence. Original Research Article Psychiatry Research, Volume 209, Issue 3, 30, PP: 529-534.
- Hsieh, Y. P., Shen, A. C. T., Wei, H. S., Feng, J. Y., Huang, S. H., Hwa, H. L. (2019). *Associations between child maltreatment, PTSD, and internet, addiction among Taiwanese students*. Computers in Human Behavior 56, PP: 209-214.
- Ovsyanikova, E. A., Chapskaya, Y. M., Bityutskaya, N. N., & Laukhina, I. V. (2016). Peculiarities of academic of motivation of students with different level of Internet addiction. International Business Management, 10(16), 3345-3348.
- Özgür, H. (2016). The relationship between Internet parenting styles and Internet usage of children and adolescents. Original Research Article. Computers in Human Behavior, Volume, 60, PP: 411-424.
- Özgür, H. (2020). The relationship between Internet parenting styles and Internet usage of
- Purnima, K. A., & SarojVerma. (2017). Role of Internet addiction in mental health problems of college students. Psychology and Behavioral Science International Journal, 555591. DIO: 10.19080/PBSIJ.2017.02.555591.
- Smahel, D., Helsper, E., Green, L., Kalmus, V., Blinka, L. & Ólafsson, K. (2012). Excessive Internet use among European children. LSE, London: EU Kids Online.
- Valcke, M., Bonte, S., De Wever, B., Rots, I. (2010). Internet parenting styles and the impact on Internet use of primary school children. Original Research Article Computers & Education, Volume 55, Issue 2, PP: 454-464.
- Yeong- Mi Ha. Won Ju Hwang. (2014). Gender differences in Internet addiction associated with psychological health indicators among adolescents using a national web-based survey. International Journal Mental Health and Addiction, 12, 660-669.